



نکاتی درباره حلال و حرام در خوراکیها

حضرت آیت الله جوادی آملی

تهیه و تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین مصطفی پور

۳. نهی از خوردن چیزهایی که خدا آن‌ها را حرام کرده است و مصادیق آن‌ها عبارتند از مردار، خون، گوشت خوک و ذبحی که در هنگام ذبح و سر بریدن نام غیر خدا بر آن برده شده است.

۴. گاه ضرورت‌هایی پیش می‌آید که انسان برای حفظ جان خویش ناچار است از غذاهای حرام استفاده کند در این صورت با دو شرط ستمگر نبودن و تجاوز نکردن بهره‌برداری از غذای حرام بلامانع است.

تحلیل طیبات و تحریم خبائث

خدای سبحان در سوره اعراف آیه ۱۵۷ در بیان اوصاف و ویژگی‌های پیامبر اسلام می‌فرماید: «یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث» (یکی صفات پیامبر آن است که موارد پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند)، زیرا محتوای دعوت آن حضرت با فطرت سلیم هماهنگ است، از این رو پاکیزه‌ها و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد برای آنها حلال می‌داند و آن چه خبیث و تنفرآمیز باشد بر آن‌ها حرام می‌کند.

در آیات بسیاری، مسلمانان و مؤمنان به استفاده از طیبات و پاکیزه‌ها فرمان داده شده‌اند، از جمله در سوره مائده می‌فرماید: «یستلونک ماذا أحل لهم، قال أحل لهم الطیبات»^۲ (از تو سؤال می‌کنند چه چیزهایی برایشان حلال است، بگو آنچه پاکیزه است برای شما حلال شده است).

نیاز واقعی خود بهره گیرند. از این رو فرمودند: «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المسرفین»^۱ «بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خدای سبحان مسرفان را دوست نمی‌دارد». در این آیه ما را از اسراف و زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن نعمت‌ها بازداشته‌اند. همچنین ارتباط با کیفیت خوراک، خطاب به مؤمنان فرمود: «یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم و اشکروا له ان کتمنا ایه تعبدون انما حرم علیکم المیته والدم و لحم الخنزیر و ما اهل به لغیر الله فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم»^۲ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید، اگر او را پرستش می‌کنید. خدای متعال تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک و آن چه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته می‌شود حرام کرده است ولی کسی که دچار حالت اضطرار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد گناهی براو نیست و می‌تواند برای حفظ جان خود در موقع ضرورت از آن بخورد، خداوند بخشنده و مهربان است).

در این دو آیه، خدای سبحان از مؤمنان چند مطلب را خواسته است:

۱. خوردن از طیبات و پاکیزه‌هایی که خدا روزی آن‌ها قرار داده است.

۲. بجا آوردن شکر خدا به دلیل این که خدا را پرستش می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های انسان، نیازمندی است. او نیازمند هوا، آب، غذا، پوشاک، مسکن و ... است. از سوی دیگر در او امیال و غرایزی نهاده شده که او را وادار می‌کند تا با تلاش و کوشش نیازهای خود را برطرف سازد و از طریق، بقا و ادامه حیات خود را تضمین کند و از سوی سوم انسان، موجودی عاقل و خردمند آفریده شده تا با آن نیازهای خود را بر اساس میزان مناسبت آنها با طبع خود تشخیص دهد. علاوه بر آن از قدرت انتخاب بر خوردار است تا آنچه مناسب باطبع اوست برگزیند و از آنچه مناسب با طبعش نیست بپرهیزد. از این رو آدمیان برای خود باید و نیاید‌هایی دارند که در تأمین نیازمندی‌ها از آن استفاده می‌کنند و درمی‌یابند که برخی غذاها را باید بخورند و از برخی باید اجتناب کنند، برخی نوشیدنی‌ها را بنوشند و از برخی بپرهیز کنند برخی لباس‌ها را بپوشند و از برخی لباس‌ها دوری کنند و موارد دیگر.

در برنامه‌ای که قرآن کریم به مؤمنان ارائه می‌دهد ضمن آن که نیازهای انسان را طبیعی دانسته و به آن توجه کرده است، برای تأمین زیست انسانی او باید و نیاید‌هایی را نیز تعیین کرده است. به عنوان مثال در باب خوراک و غذا که از نیازهای ضروری و طبیعی اوست، تأکید کرده است تا در کیفیت و کمیت خوراک خود دقت کنند تا هر چیزی را نخورند. مثلاً از غذای حلال استفاده و از حرام اجتناب کنند و از نظر کمیت، از اسراف خودداری کرده و در حد

براساس آیه ۱۶۸ سوره بقره، اصل اولی در همه غذاهایی که در روی زمین وجود دارد حلیت است یعنی اشیای پاکیزه برای انسان، مباح است و غذاهای حرام استثناست. بنابراین، حرام بودن دلیل می‌خواهد نه حلال بودن. از این رو تحریم پاره‌ای از غذاهای حلال و سالم بدون دلیل روا نیست.



همین سوره فرموده است: "الیوم احلّ لکم الطیبات" (امروز پاکیزه‌ها برای شما حلال شده است) و در آیه ۱۶۸ سوره بقره: «یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً» (ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید).

افراط و تفریط در احکام الهی ممنوع

قرآن کتابی همگانی و همیشگی است. جهان‌شمول بودن آن ایجاب می‌کند در فهم معارف مجموع قرآن، رخدادهای کلی و جامع جهان معاصر وحی، مورد توجه قرار گیرد و در فهم مطالب هر سوره پدیده‌های مقطعی همراه با نزول آن بررسی شود و در فهم پیام هر آیه، حادثه‌های جزئی (اگر وجود داشت) را به عنوان شأن نزول از نظر دور نداشت. برخی مفسران برآنند که هنگامی مطالب آیه مورد بحث روشن می‌شود که تاریخ ملل هنگام ظهور اسلام و پیش از آن معلوم باشد. مشرکان و اهل کتاب در زمان ظهور اسلام فرقه‌های گوناگونی بودند و بعضی چیزها را بر خود حرام کرده بودند. مذهب شایع مسیحیان و ترسایان، نزدیکترین راه به مقصد را تعذیب نفس و در فشار قرار دادن جسم و جان می‌دانست و تحمیل رنج بر نفس گاهی به صورت حذف طیب‌ها و پاکیزه‌ها و زمانی به صورت صیام و روزه گرفتن بود، در حالی که این امور، بدعت و میراث نیاکان مشرک بود.^۴

امر به اکل امر اباحی و زمینه برخی محرمات و نیز زمینه پرده‌برداری از کار بعضی از علمای اهل کتاب است که آنچه از حلال‌ها و حرام‌های مندرج در تورات و انجیل را برای جامعه خود بازگو نکردند. بر این اساس نه برای افراط برخی زاهدمنشان، راهی است که حلال‌های الهی را بر خود حرام سازند و نه

برای تفریط برخی احبار و رهبان‌ها راهی است و نه برای تشریح بت‌پرستان مسیری، تا حرام خدا را حلال کنند.

تحریم حلال و تحلیل حرام و استناد آن به خداوند، افترا و قول بدون علم است. این افترا گاهی به صورت افراط، یعنی تحریم حلال الهی و گاهی به صورت تفریط، یعنی حلال شمردن حرام ظهور می‌کند که هر دو، کار شیطان است و او پیروان خود را به ارتکاب چنین عملی وا می‌دارد: «یا ایها الناس کلسوا مما فی الارض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین، انما یأمرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون»^۵ (ای مردم! از آن چه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. چه، او دشمن آشکار شماست و شما را فقط به بدی‌ها و کار زشت فرمان می‌دهد و نیز وادارتان می‌کند آن چه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید).

از ابن عباس نقل شده است برخی از طوایف عرب همانند ثقف و خزاعه و دیگران، قسمتی از انواع زراعت و حیوانات را بدون دلیل بر خود حرام کرده بودند. آیات فوق نازل شد و آن‌ها را از این عمل ناروا بازداشت.^۶

اصل بر حلیت است

براساس این آیه، اصل اولی در همه غذاهایی که در روی زمین وجود دارد حلیت است یعنی اشیای پاکیزه برای انسان، مباح است و غذاهای حرام استثناست. بنابراین حرام بودن دلیل می‌خواهد نه حلال بودن. از این رو تحریم پاره‌ای از غذاهای حلال و سالم بدون دلیل روا نیست.

فرمان خدای طیب به بهره‌برداری از طیبات

پیامبر اکرم «ص» فرمود: «ان الله طیب لا یقبل الا طیباً و ان الله امر المؤمنین بما امر به المرسلین. فقال: یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً انی بما تعملون علیم. و قال یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم. ثم ذکر الرجل یطیل السفر اشعث اغبر یمد یدیه الی السماء و یا رب یرب یرب و مطعمه حرام و مشربه حرام و ملبسه حرام و غذی بالحرام و انی یستجاب لذلک»^۷ (خدای سبحان پاکیزه است و جز پاکیزه را نمی‌پذیرد. او مؤمنان را به همان چیزی فرمان داده است که به پیامبران فرمان داده است. به پیامبران

دستور داده است تا از پاکیزه‌ها بخورند و عمل صالح انجام دهند زیرا خدا به اعمال انسان آگاه است و به مؤمنان دستور داده است از طیباتی که به آنها روزی داده است بخورند. پس مردی که رنج سفر طولانی را بر خود هموار کرده است و دستش را به سوی خدا دراز می‌کند و از او درخواست می‌کند تا دعایش مستجاب شود در حالی که غذا و نوشیدنی و لباس او حرام است و از راه حرام تغذیه کرده است، از کجا خدا دعای او را مستجاب کند).

از این حدیث استفاده می‌شود که اولاً از خدای منزّه از هر عیب، جز دستور پاکیزه صادر نخواهد شد، پاکیزگی دستور به آن است که به چیزهای طیب تعلق گیرد و گرنه پاکیزه نبوده و مناسب با خدای طیب نخواهد بود زیرا دستور، ظهور وصف دستور دهنده است.

ثانیاً: مؤمنان پیروان پیام‌آوران الهی هستند بدین سبب دستور طیب خدا باید بین پیشوا و پیرو همسان باشد از این رو پیامبر و امت او مأمور استفاده از طیب‌ها هستند.

ثالثاً: برخی با احداث کوره راه، توقع اجابت دارند در حالی شرایط آن را که از جمله آن استفاده از پاکیزه‌هاست رعایت نمی‌کنند و با خوردن غذای حرام، خواهان اجابت دعا هستند در حالی که خدای سبحان دعای انسانی که از غذای حلال می‌خورد مستجاب می‌کند. از این رو نقل شده است که سعد بن ابی وقاص از حضرت رسول درخواست کرد تا از خدا بخواهد که دعایش مستجاب شود، حضرت رسول «ص» فرمود: ای سعد! اگر غذایت حلال باشد، دعایت به اجابت می‌رسد.^۸

شکرگزاری لازم عبادت

در آیه مورد بحث، خدای سبحان مدعیان ایمان و عبادات را به شکرگزاری خدای متعال امر کرده و فرموده است اگر فقط خدا را عبادت می‌کنید باید شاکر او باشید. وجوب شکر منعم بر متنعّم، طبق برهان و حکمت، به طور مطلق است یعنی بر همه انسان‌هایی که از نعمت متنعّم می‌شوند، به حکم عقل لازم است در برابر نعمت‌دهنده سپاسگزار باشند و بر مؤمنان موحد از باب جدال احسن لازم است از ولی نعمت خود سپاسگزاری کنند.

شکرگزاری خدا به سه نوع قلبی، جوارحی

کسی که مضطر به خوردن مردار شده، اصلاً کاری خلاف شرع نکرده است نه آنکه مرتکب حرام و گناه شده ولی گناه وی بخشوده می‌شود.

و زبانی است. اعتقاد به این که نعمت از خدای سبحان است شکر قلبی است، و صرف نعمت در جای مناسب خود شکر جوارحی است. و با زبان تشکر کردن از خدا، شکر لسانی و زبانی است.

رضایت خدا از بنده شکرگزار

پیامبر اکرم «ص» فرمود: «ان الله لیرضی عن العبد ان یأکل الاکله و یشرب الشربه فلیحمدالله علیها»^۹ (خدای سبحان از بنده خود راضی است آن هنگام که غذایی می خورد و نوشیدنی می نوشد، خدا را بر آن نعمت سپاس گوید).

در توضیح مطلب می گوئیم: هر اطاعتی موجب رضایت خداست، همان گونه که هر معصیتی می تواند زمینه سخط الهی را فراهم کند، سپاس خداوند بعد از بهره وری از نعمت هایش، اطاعت اوست. پس ستایش خداوند موجب خشنودی اوست و خشنودی خدا وصف فعل اوست نه صفت ذات وی، و نشانه خشنودی را می توان از مزید نعمت استفاده کرد چنانکه فرمود: «لئن شکرتم لازیدنکم»^{۱۰} (اگر سپاسگزاری کنید بر نعمت شما افزوده می شود). و در این که شکر، موجب رضای خداست فرمود: «وان تشکروا یرضه لکم»^{۱۱} (اگر سپاسگزاری خدا کنید خدا از شما راضی است).

شکر نعمت در پرتو طاعت و ولایت معصومان

امام حسن عسکری «ع» فرمود: «قال الله عزوجل یا ایها الذین امنوا بتوحیدالله و نبوه محمد رسول الله و بامامه علی ولی الله، کلوا من طیبات ما رزقناکم و اشکروالله علی ما رزقکم منها بالمقام علی ولایه محمد و علی لیقیکم بذلک شرور الشیاطین المتمرده علی ربها عزوجل فاشکروا نعمه الله بطاعه امرکم بطاعه من محمد و علی و خلفائهم الطیبین»^{۱۲}

خدای سبحان فرمود: ای کسانی که به یکتایی خدا و پیامبری حضرت محمد «ص» فرستاده خدا و به امامت علی «ع» ولی خدا ایمان آورده اید! از پاکیزه هایی که به شما روزی دادیم بخورید و شکر خدا را بر آن چه از نعمت هایی که به شما روزی داده با ایستادگی بر ولایت محمد «ص» و علی «ع» به جا آورید تا خدا در پرتو آن شما را از شرور شیطان های سرکشی که در برابر خداوند

عزوجل سرکشی کرده اند حفظ کند.

شکر نعمت های خدا را با اطاعت پیامبر و علی و جانشینان آنها به جا آورید

براساس این روایت، اولاً نعمت های خدا مصادیق فراوانی دارد که از جمله آنها ولایت است. چنان که در جریان غدیر و اعطای کوثر ولایت فرمود: «اتممت علیکم نعمتی» (نعمت خود را بر شما تمام کردم).

در واقع این نعمت، نعمت معنوی و رزق حسن است و ثانیاً شکر هر نعمتی، مناسب با آن نعمت است، چنانچه رضای الهی در برابر هر شکر و طاعتی مناسب همان خواهد بود از این رو شکر هر نعمتی آن است که آن را در جهتی که خدای سبحان فرموده است صرف کنند. ولایتمداری و معرفت، عدل و همتای قرآن است و حمایت و دفاع از آن و تبیین ضرورت رعایت آن در همه شئون فردی و اجتماعی امت اسلامی از مصادیق روش سپاس این نعمت عظیم خداست. یعنی شکر نعمت عترت و قرآن به پیروی از آنها و حمایت و دفاع از آنهاست.

تحریم محرّمات

با توجه به این که اصل اولی در مخلوقات الهی اباحه تصرف و رواداری استفاده از آن است و تحریم چیزی، باید با دلیل باشد، قرآن کریم در آیه ۱۷۳ سوره بقره، محرّمات را اعلام می کند و با بیانی صریح، محرّماتی که مشرکان آنها را حلال و غیر آنها را تحریم می کردند گوشزد می کند و چهار مورد از آن را بر می شمرد که عبارت است از: گوشت مردار، خون، گوشت خوک و آنچه که در هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده می شود.

حصر اضافی محرّمات

در اینجا سؤالی مطرح می شود و آن اینکه آیا محرّمات منحصر در امور چهارگانه است؟ چرا که آن را با کلمه حصر (انما) بیان کرده است یا غیر آنها نیز حرام است. به عبارت دیگر، آیا این حصر اضافی است، یعنی در برابر خرافات و موهوماتی که مشرکان

برخی گوشت های پاکیزه و حلال را بر خود تحریم کردند به آنها اعلام می کند این موارد چهارگانه بر شما حرام است، یا حصر مطلق است، یعنی فقط این موارد چهارگانه حرام است و غیر آن هر چه باشد حلال است؟ پاسخ: در جواب می گوئیم این حصر اضافی است نه مطلق به سه دلیل:

۱. تحریم امور چهارگانه در مقابل گفته کسانی است که بعضی چهارپایان را حرام کردند.^{۱۳} بر این اساس راز حصر محرّمات در



این آیات در قسمتی خاص از مأكولات، طرد بدعت تحریم کفار جاهلی نسبت به گوشت گونه ای از حیوانات است.

۲. حصر محرّمات در امور یاد شده به این دلیل است که تا این زمان بیش از آنها تحریم نشده است و ممکن است در آینده اموری را تحریم کند و بین تحریم اموری خاص تا این زمان و امکان تحریم اموری دیگر افزون بر آنها در آینده منافاتی نیست. چنانچه در سوره مائده که مدنی است و در اواخر عمر رسول خدا «ص» بر او نازل شده است با آیه سوره بقره که در اوایل ورود به مدینه نازل شده است مواردی ذکر شده است که یا بیان مصادیق میته است یا افزون بر موارد فوق است مانند خمر و قمار که در آیه ۹۰ مائده حرام معرفی شده است.

۳. سخن دو آیه در محدوده و خصوص دامها و خوراکی ها و گوشت هاست و گر نه با توجه به کثرت محرّمات الهی در افعال و



نتیجه گیری

از مجموعه مباحث مربوط به آیه ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره بقره استفاده می شود که: اولاً مؤمنان همانند پیامبران مأمور به استفاده از پاکیزه ها هستند، زیرا خدای طیب جز به پاکیزه ها فرمان نمی دهد و انسان های پاکیزه نیز از آنها استفاده می کنند.

ثانیاً چون از نعمت خدا استفاده می کنند شکر نعمت های الهی بر آنها لازم است و چون آنها اهل عبادت و اطاعت خدا هستند، شکر نعمت های الهی، عبادت و اطاعت خدا و موجب رضایت اوست.

ثالثاً با توجه به اصل اولی حلیت و اباحه امور، اگر چیزی ممنوع و حرام باشد دلیل می طلبد. از این رو خدای سبحان با حصر اضافی تحریم چهار مورد یعنی گوشت مردار و گوشت خوک و خون و آنچه در حال ذبح نام خدا بر آن برده نمی شود، اعلام کرده است که در آن شرایط مردم جاهلی به آن مبتلا بوده اند.

و رابعاً اگر انسان در حالت اضطرار قرار گرفت و چاره ای جز استفاده از گوشت حرام برای حفظ بقای خود نداشت، می تواند از آن استفاده کند به شرط آنکه مصرف کننده گرفتار تجاوز و عدوان نباشد. زیرا خدای غفور و رحیم براساس رحمت، بدون آن که فردی که در حال اضطرار است گناهی مرتکب شده باشد، استفاده از مردار و موارد دیگر را مجاز کرده است.

پاورقی ها:

۱. سوره اعراف، آیه ۳۱.
۲. سوره بقره، آیات ۱۷۲ و ۱۷۳.
۳. سوره مائده، آیه ۴.
۴. تفسیر المنار، ج ۲، ص ۹۶.
۵. سوره بقره، آیات ۱۶۸ و ۱۶۹.
۶. تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۲۰۷.
۷. الدرر المنتور، ج ۱، صص ۴۰۶ و ۴۰۷.
۸. کشف الاسرار میبدی، ج ۱، ص ۴۵۶.
۹. الدرر المنتور، پیشین.
۱۰. سوره ابراهیم، آیه ۷.
۱۱. سوره زمر، آیه ۷.
۱۲. تفسیر امام عسکری، ص ۴۵۹.
۱۳. سوره انعام، آیات ۱۴۳ تا ۱۴۵.

شد کاری خلاف شرع نکرده است نه آنکه مرتکب حرام و گناه شده ولی گناه وی بخشوده می شود.

تبعیدی بودن حرمت اعیان محرمه

در لزوم اجتناب از اعیان محرمه اصل بر تبعید است و مضراتی که به عنوان راز تحریم یاد می شود، حکمت است نه علت یعنی حرمت را فقط با وحی الهی و یا عقل قطعی می توان تبیین کرد.

عقل ممکن است تا حدودی خبثات و زیان های اعیان محرم و نجسی چون سگ و خوک و خون را که دارای خبثات ظاهری است تشخیص دهد و آن را بر اثر خبیث و مضر بودن، نجس و حرام بداند اما راهی برای تشخیص نجاست و حرمت اشیا بی که دارای خبثات معنوی است ندارد و نمی تواند راز حرمت و نجاست آن را کشف کند.

در این باره فقط وحی می تواند پرده از مجهول بردارد. از این رو علم هرگز حرمت خوردن گوشت حیوانی که در هنگام ذبح نام خدا را بر آن نبرده اند نمی فهمد و به راز نجاست بدن کافر که به ظاهر نظیف است دسترسی ندارد.

در پایان آیه می فرماید: ان الله غفور رحیم یعنی همانا خدای سبحان آمرزنده و مهربان است و به دلیل غفار و رحمان بودن، حرمت خوردن حرام را از مضطر برداشته است و چیزی را که خدای سبحان (که تنها مصدر تشریح و قانون گذاری است) حلال کرده است هیچ مانعی در ارتکاب آن نیست.

اعیان، حصر آن در امور چهارگانه، تخصیص اکثر لازم می آید بنابراین حصر در آیه، حصر اضافی است و نه مطلق. و در این آیه حرمت همه اقسام مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به روش شرعی ذبح نشده باشد را اعلام کرده است.

حلیت محرّمات در حال اضطرار

در ذیل آیه، خوردن گوشت های حرام را در حال اضطرار حلال دانسته است؛ خواه خوردن آن حرمت نفسی داشته باشد و از حیواناتی باشد که فی نفسه حرام گوشتند، مانند خوک و یا فی نفسه حلال باشد، ولی با عدم تزکیه و ذبح شرعی حرام شده باشد.

ناگفته نماند هر اضطراری مجوز حلیت گوشت حرام نیست بلکه برای مضطری حلال است که اضطرار وی با بغی و عدوان همراه نباشد یعنی اولاً شخص خود را به عمد مضطر نکرده باشد یعنی با اختیار، خود را در شرایطی قرار ندهد تا مجوزی برای استفاده از گوشت حرام برای خود پیدا کند و ثانیاً عامل اضطرار، انحراف از دین نباشد یعنی باغی خروج کننده بر امام، یا رهن و مانند آن نباشد و ثالثاً خوردن مردار برای لذت جویی و به قصد تجاوز از حدّ سدّ جوع و رفع گرسنگی نباشد و رابعاً مال حرامی که در اختیار دارد، بدل حلال و جایگزین مباح نداشته باشد، که اگر امکان دسترسی به غذای حلال باشد نمی تواند از غذای حرام استفاده کند. در حقیقت کسی که مضطر به خوردن مردار

◆ قرآن کریم در آیه ۱۷۳ سوره بقره، محرماتی که مشرکان آنها را حلال و غیر آن را تحریم می کردند گوشزد می کند و چهار مورد از آن را بر می شمرد که عبارت است از: گوشت مردار، خون، گوشت خوک و آنچه که در هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده می شود.

